

دکتر ایرج گلدوزیان*

سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (اصلاح قانون و تناسب جرم و مجازات)**

با عنایت به ضرورت حفظ نظم و امنیت در جامعه تأمین عدالت بیشتر و کاهش از میزان جرائم بخش اول بحث خود را به «ضرورت اصلاح قانون و وظیفه قانونگذار در تعیین جرم و مجازات با تنوع عکس‌العمل‌ها در قبال مواد مخدر» و بخش دوم بحث را به «نقش قضات در انتخاب کیفر متناسب در جهت حمایت جامعه و انصراف بزهکار از سقوط در تکرار جرم» اختصاص داده و در خاتمه بحث، نتیجه‌گیری شد.

بخش اول. ضرورت اصلاح قانون و نقش قانونگذار در تعیین انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی در قبال مواد مخدر

۱. سیاست جنایی مبتنی بر ارساب

آنچه که از سال‌ها قبل از انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی راهنمای قانونگذار در قبال مواد مخدر بوده است دادن امکان تعقیب و محاکمه متهمین جرائم مواد مخدر از طریق

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** عنوان تحقیق به مناسبت همایش سرای علمی کاربردی قضات دادگاههای انقلاب اسلامی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر (کمیته حقوقی و قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر) ۲۲ تا ۲۴ دی ماه ۱۳۷۹ اختیار شده که در جلسه نیز عرضه شده است.

اعمال سیاست جنایی تشدید مجازات و سرکوبی و ارباب بوده است. گرچه نسبت به معتادان نیز به جای درمان روانی پزشکی سعی شده است با سلب آزادی از آنان، ترک اعتیاد معتادان مزبور از طریق محروم ماندن از مواد عملی گردد که البته تدبیری موقتی و نه دائمی است.

متأسفانه به رغم کشفیات زیاد، دامنه قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر با توجه به آمارهای موجود رو به افزایش گذارده است. دلیل آن مبارزه با معلول بوده و در بیشتر موارد شرایط بد اقتصادی، فقر و بیکاری و بی فرهنگی و سودجویی و حرص و طمع برای زراندوزی دامنه قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر را افزایش داده است.

۲. استفاده قاچاقچیان از شیوه‌های جدید علمی و فن آوری (مخابراتی و نظامی و غیره) در امر قاچاق مواد مخدر موجب ترغیب سودجویان می‌گردد. عدالت نیز باید برای مبارزه با آنان به سلاحی متناسب مجهز گردد و از علوم و فنون جدید در امر مبارزه با مواد مخدر بهره گیرد. اختصاص بودجه‌های لازم در این مورد از وظایف قانونگذار است.

۳. جرائم مربوط به مواد مخدر به حیثیت و اعتبار دولت در سطوح ملی و بین‌المللی بستگی دارد. به جای تأکید در استفاده از کیفرهای بدنی سنگین که تاکنون مؤثر واقع نشده است باید دست‌اندرکاران مواد مخدر را در مقابل دو امر حتمیت و قاطعیت در امور کیفری قرار داد تا از ارتکاب جرم منصرف شوند. حتمیت در کشف جرم و قاطعیت در اجرای کیفر متناسب با قبح و زیان اجتماعی جرم حتی به مقدار کم؛ زیرا افکار عمومی ارتکاب قاچاق را کار چندان خوار و خفیفی نمی‌داند تا موجب رسوایی و کسرشان و حیثیت و برانگیختن نفرت عموم گردد.

به علاوه هر اندازه مجازاتها در امر قاچاق شدیدتر باشد وسوسه ارتکاب قاچاق توسط سودجویان و حریصان افزایش می‌یابد. به طوری که نحوه ارتکاب، به چگونگی حفاظت از مرزها و کاهش عرضه مواد در سطح جامعه بستگی دارد. و در این قبیل موارد مصادره مواد مخدر و متعلقات قاچاق به عنوان مجازات صحیح و عادلانه است.

۴. اصلاح قوانین با توجه به تغییر شرایط محیطی و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی امری ضروری است و باید در جهت تعدیل مجازات‌های بدنی و مالی باشد.

به علاوه توسعه مراکز بازپروری و امکانات ترک اعتیاد و پیشگیری از وقوع جرائم با توسل به اقدامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایجاد اشتغال و مبارزه با فقر و فساد در انصراف افراد از گرایش به قاچاق مواد مخدر و استعمال آن نقش مهمی دارد. برای نیل به این اهداف قانونگذار باید ضمن تعدیل مجازات‌ها اختیارات بیشتری را به دادگاهها برای امکان فردی کردن مجازاتها بدهد.

۵. ملاک قانونگذار در مقیاس کیفر تابع حساسیت بزهکار نیست بلکه تابع زیان عمومی و اجتماعی است. هر اندازه مرتکب جرم یا زیان‌زننده از امتیاز بیشتری منتفع می‌شود موانع و عکس‌العمل باید شدیدتر باشد تا مردمان را از ارتکاب جرم باز دارد.

بخش دوم. نقش قضات در انتخاب کیفر مناسب و فردی کردن مجازات و اقدام تأمینی در جهت حمایت جامعه و انصراف بزهکار از سقوط در تکرار جرم
موانع فردی کردن مجازات که در جهت انطباق تصمیم قضایی با شخصیت بزهکار است به شرح زیر می‌باشد:

۱. ممنوعیت قضات در اعمال تعلیق مجازات نسبت به متهمین مواد مخدر اعم از مباشر و معاون جرم مانعی است در جهت فردی کردن مجازات که توصیه‌ای علمی است. چه بسا متهم کم سن و سالی که به‌طور تفننی به استعمال مواد مخدر کشانده شده با تهدید به مجازات و سپردن تعهد لازم از ادامه راه منحرف، منصرف گردد.

۲. فقدان معاذیر قانونی معافیت از مجازات و یا معاذیر تخفیف‌دهنده مجازات تا دادگاه مربوط بتواند با توجه به همکاری متهمین در کشف مواد مخدر و شناساندن و معرفی سایر متهمین اتخاذ تصمیم نماید و موجبات تشویق متهمین به همکاری بیشتر فراهم شود.

۳. کنترل مرزها و گمرکات در امر مواد مخدر مسأله مهمی است. هر اندازه بازرسی دقیق‌تر و فنی‌تر و مستمر باشد موجبات انصراف بزهکاران مواد مخدر بیشتر فراهم می‌شود. اختیارات و نظارت قانونی بیشتر مقامات قضایی بر این قبیل امور اداری و انتظامی و حمایت قضایی آنان از مأمورین و پرداخت بموقع حق‌الکشف و پاداشهای مربوط می‌تواند در مبارزه با قاچاق مواد مخدر مؤثر بوده و بزهکاران را از ارتکاب جرم

تا حدودی منصرف سازد.

نتیجه

بدین ترتیب تعیین رفتارهای مجرمانه و عکس‌العمل نسبت به آنها اعم از تعیین نوع کیفر یا اقدامات تأمینی و تربیتی و تبعی و تکمیلی باید متناسب با اهمیت جرم ارتكابی و شخصیت بزه‌کار در جهت اهدافی باشد که علاوه بر حفظ و حمایت جامعه از گزند بزه‌کاران بتواند بزه‌کار را اصلاح نموده و برای بازگشت به زندگی اجتماعی آماده سازد. در این صورت قضات در انتخاب نوع کیفر و اقدامات تأمینی و فردی کردن تصمیمات قضایی با توجه به پرونده شخص بیشترین نقش را دارند. و نهایتاً تصمیم مناسب موجبات پیشگیری از وقوع جرم را نیز وسیله دیگران فراهم می‌سازد.

مصلحت جامعه در پیشگیری از وقوع جرم است تا اصولاً جرمی ارتکاب نشود. با وجود این با غیرقابل انکار بودن وقوع جرم با توجه به مقدار زیان حاصل از ارتکاب جرم برای جامعه باید موانعی ایجاد کرد؛ نهایت آنکه هر اندازه جرم با منفعت جامعه بیشتر در تضاد باشد مقتضی است موانع شدیدتر باشد. برخورداری از نعمت و محرومیت از آن و در واقع لذت و الم محرک رفتار انسانهاست. بنابراین محرومیت از آزادی (یا پیش‌بینی کیفر حبس و تبعید) ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، لغو پروانه اشتغال به کار و تعطیل موسسه و محرومیت از حقوق اجتماعی نسبت به مرتکبین جرائم مواد مخدر قابل اعمال و مؤثر است.

به علاوه قانونگذار می‌تواند از طریق مبارزه با عوامل مؤثر در ارتکاب جرم از طریق بالا بردن سطح فرهنگ و سطح زندگی مردم و مبارزه با عوامل اقتصادی فرهنگی اجتماعی و پزشکی ارتکاب جرم، چون فقر و بیکاری، نقص دستگاه تعلیم و تربیت یا رواج الکل و اعتیاد به مواد مخدر از طریق تنظیم قوانین مناسب در جلوگیری و پیشگیری از جرائم مزبور نقش عمده‌ای را ایفا نماید.